

حق دسترسی به اطلاعات : کپی رایت یا کپی لفت

«هیچ اثری به عنوان یک واحد مجزا به وجود نمی آید بلکه بخشی از یک گفتمان تکوینی پیوسته است»
(میشل فوکو، پدیدی آورنده کیست؟)

مهدی زاهدی- دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی
شیرین شریفزاده- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی
چکیده :

حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اندیشه‌ها متأثر از حق بنیادین بشر در برخورداری از آزادی بیان است. امروزه این حق به عنوان یک حق مستقل در مقررات ملی و بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. در رویکرد سنتی، این حق فقط شامل حق دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیرعمومی است اما در رویکرد نوین و اسناد بین‌المللی این حق به طور مطلق مورد حمایت قرار گرفته و شامل دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار بخش خصوصی است نیز می‌شود. در هر دو دیدگاه، حق دسترسی به اطلاعات محدود و مقید به استثنائی موسوم به حمایت از کپی‌رایت پدیدآورنده است. به عبارت دیگر، حمایت از پدیدآورنده آثار ادبی و هنری از استثنائات این حق است و بدین ترتیب این دو حق در تعارض اصولی و عملی با یکدیگر قرار می‌گیرند. نظام کپی‌رایت با مقرر کردن محدودیت‌ها و استثنائات حقوق پدیدآورنده تلاش نموده میان منافع دارندگان کپی‌رایت از یک سو و منافع عموم مردم در دسترسی و استفاده از این آثار توازن برقرار نماید لیکن با پیدایش فضای مجازی و وضع مقررات حمایتی شدیدتر، این توازن به نفع کپی‌رایت دستخوش دگرگونی شد. این تحول در جوامع توسعه‌یافته منجر به پیدایش نهضتی اجتماعی به نام کپی‌لفت گردید که از طریق آن، اجازه نسخه‌برداری و ویرایش یک اثر برای همگان فراهم می‌گردد. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که آیا نهاد کپی‌لفت در مقایسه با کپی‌رایت می‌تواند میان حقوق مادی پدیدآورنده و حق عمومی جامعه در دسترسی آزادانه به اطلاعات موازنه منطقی و عادلانه برقرار نماید؟

واژگان کلیدی : کپی‌رایت، کپی‌لفت، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات، نرم افزار منبع باز

مقدمه :

آزادی بیان از حقوق اساسی افراد در جامعه بشری محسوب می‌شود و در چارچوب حقوق بشر از جایگاه ویژه سیاسی و اخلاقی برخوردار است. آزادی بیان ابزاری جهت

رساندن اندیشه و عقیده به دیگران است. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی بیان به عنوان بالاترین آرمان بشری اعلام شده است.

حق برخورداری از آزادی بیان ریشه و مبنای بسیاری دیگر از آزادی‌ها همانند آزادی مطبوعات، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات، حق انتقال و انتشار اندیشه‌ها، حق انتقاد، حق استقلال و رهایی از سانسور می‌باشد.

حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اندیشه‌ها به شدت متأثر از حق آزادی بیان است. آزادی بیان در همه اسناد بین‌المللی عام حقوق بشر، حتی مرکب از یک حق هسته‌ای و دو حق پیرامونی است. حق هسته‌ای در آزادی بیان همان حق بیان، انتقال و انتشار اندیشه‌ها و اطلاعات است و حق‌های پیرامونی آن حق جستجو و حق دسترسی و دریافت اطلاعات و اندیشه‌ها می‌باشد (حبیبی مجنده، 1395، 7). اصطلاح آزادی دسترسی به اطلاعات برای نخستین بار در امریکا به کار گرفته شد و منظور از آن آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیر عمومی است و لذا همه انواع اطلاعات را در بر نمی‌گیرد. در فرانسه از اصطلاح «آزادی دسترسی به اسناد اداری» استفاده می‌شود (انصاری، 25، 1387). آزادی دسترسی به اطلاعات در زمره آزادی‌های نسبتاً نوظهوری است که به دلیل اهمیت زیاد آن در مدیریت امور جامعه به اکسیژن دموکراسی موسوم شده است. این حق بشری دارای آثار مثبت فراوانی است به نحوی که امروزه اکثر کشورهای جهان مبادرت به تصویب قوانینی راجع به آزادی اطلاعات نموده‌اند. در ایران نیز در سال 1388 با تصویب «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» حق دسترسی عموم به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی به رسمیت شناخته شده است (انصاری، 19، 1394). در اسناد بین‌المللی نیز حق دسترسی عمومی به اطلاعات مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. ماده 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده 19 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 10 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده 9 منشور افریقایی حقوق بشر، ماده 13 کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و ماده 22 اعلامیه قاهره در خصوص حقوق بشر در اسلام از جمله این اسناد می‌باشند. در تمامی این اسناد، حق دسترسی به اطلاعات به طور مطلق قید شده است اما رویکرد مضیق به آزادی دسترسی به اطلاعات این حق را محدود به دسترسی به اطلاعاتی می‌داند که در اختیار مقامات عمومی است (حبیبی مجنده، پیشین، 15).

از نظر حقوقدانان معتقد به رویکرد مضیق، اهمیت این دسترسی به دلیل تولید علم و دانش از آن جهت است

که بسیاری از پژوهش‌های علمی، فنی، ادبی و هنری در برخی از جوامع از جمله جامعه ایرانی در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی انجام می‌شود. داده‌های ارزشمند و متنوع غالباً با استفاده از کمک‌های مستقیم یا غیر مستقیم دولت در قالب قراردادهای پژوهشی با دولت تولید می‌شود. دسترسی آزاد به این داده‌ها یا اطلاعات و انتشار کامل نتایج پژوهش‌ها برای پیشرفت علم و نظام نوآوری جنبه حیاتی دارد (انصاری، 1393، 37).

با این حال در رویکرد موسع به آزادی دسترسی به اطلاعات، این حق به اطلاعاتی که در اختیار بخش خصوصی است نیز سرایت می‌کند و محدود به بخش عمومی نیست و همچنین از حیث گستردگی نیز فارغ از مرزهای ملی است. به عقیده طرفداران این نظریه، حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها حقی اخلاقی و قانونی است.

اخلاقی است زیرا دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها برای توسعه شخصیت انسانی لازم و ضروری است. زندگی توأم با کرامت مستلزم برخورداری از حق‌هایی چون آموزش، بهداشت، محیط زیست سالم، توسعه، مشارکت سیاسی و دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها است.

قانونی است زیرا امروزه قوانین داخلی کشورها و اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی آن را مورد شناسایی قرار داده است. علاوه بر این تحقق الزامات اساسی حکمرانی دموکراتیک هم چون شفافیت، پاسخگویی و تصمیم‌سازی مشارکتی پیوند وثیقی با این حق دارد. حق دسترسی به اطلاعات با این حال حقی مطلق و بدون قید و محدودیت نیست و همان محدودیت‌های آزادی بیان که در همه اسناد حقوق بشری مورد شناسایی قرار گرفته‌اند احترام به حقوق دیگران و لحاظ نمودن حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در اینجا نیز لحاظ خواهد شد. بنابراین حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها به معنای حق دسترسی مجانی و بدون هزینه نیست اما این هزینه باید معقول و متناسب باشد و اصل حق را به حاشیه نکشانند (حبیبی مجنده، پیشین، 19، 16 و 12).

همانگونه که ملاحظه گردید حق دسترسی آزادانه به اطلاعات هم در رویکرد مضیق و هم در رویکرد موسع، محدود و مقید به استثنائی موسوم به حمایت از کپی‌رایت پدید آورنده است. به عبارت دیگر حمایت از پدید آورنده اثر از استثنائات این حق است. بر مبنای این استثناء چنانچه اطلاعات مورد نظر دارای ارزش اقتصادی باشد و در محدوده و قلمرو مالکیت‌های فکری قرار گرفته باشد آزادانه و بدون پرداخت حقوق مالکانه قابل دسترسی و انتشار نمی‌باشد. این استثناء حاکی از تعارض اصولی و عملی حق دسترسی به

اطلاعات و کپی رایت می‌باشد. کپی رایت با اعطای حقوق انحصاری به دارندگان آن، دسترسی به اطلاعات مندرج در آثار ادبی و هنری را کنترل می‌کند و این در حالی است که حق دسترسی آزادانه به اطلاعات از حقوق بنیادی بشر محسوب می‌گردد. بدین ترتیب کپی رایت به یکی از موانع مهم دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها در کتاب، مجله، مقاله، تحقیقات و پژوهش‌های علمی، فیلم، نوار، تصاویر و فضای دیجیتال تبدیل می‌شود. واقعیت انکار ناپذیر آن است که متفکران، اساتید، دانشجویان و عموم مردم که در شکل دهی به اندیشه‌ها و افزودن اطلاعات خود نیازمند دسترسی به این آثار کپی رایت شده می‌باشند به دلیل قیمت بالای آن توان دسترسی به این آثار را ندارند.

کپی رایت و آزادی بیان دارای دو لایه از تعارض هستند و هر لایه دارای دو سطح یا دو مرحله می‌باشد، لایه درونی و لایه بیرونی. لایه درونی در داخل نظام کپی رایت به وقوع می‌پیوندد که همان تعارض میان حمایت از منافع خصوصی پدید آورندگان با حمایت از ارزش‌های متعلق به عموم هم چون دسترسی و استفاده از آثار کپی رایت می‌باشد که خود دارای دو سطح، دسترسی به آثار کپی رایت شده و استفاده از آنها می‌باشد. تعارض در لایه بیرونی به تعارض میان دو چارچوب هنجاری در سطح بین المللی یعنی نظام بین المللی مالکیت فکری و نظام بین المللی حقوق بشر مربوط می‌شود (حبیبی مجنده، 1394، 257 و 259).

نظام کپی رایت سعی نموده با مقرر کردن محدودیت‌ها و استثنائات حقوق پدیدآورندگان میان منافع دارندگان کپی رایت از یک سو و منافع عموم مردم در دسترسی و استفاده از این آثار توازن برقرار نماید و از گستره این تعارض بکاهد. این محدودیت‌ها در شکل‌های گوناگون خود ضمن تأکید بر حمایت از بیان به جای اندیشه، مدت زمان این حق را محدود نموده و با تعیین شرایط حمایت همچون اصالت و تثبیت، آثاری را از گردونه حمایت خارج می‌نماید. همچنین استثناهایی مانند استفاده‌های خاص از اثر نظیر استفاده شخصی، آموزشی و پژوهشی یا استفاده منصفانه را از شمول حمایت از حقوق پدیدآورنده خارج نموده است. تلاش برای کاستن این تعارض در درون نظام کپی رایت با پیدایش فضای مجازی دستخوش آشفتگی گردید. سرعت اشتراک گذاری و دسترسی به منابع و مطالب، دستورزی آثار مشمول کپی رایت و جرح و تعدیل آن توسط اغیار باعث شد حقوق مادی (اقتصادی) و معنوی پدیدآورنده بیش از پیش مورد تهدید قرار گیرد. جوامع ملی و منطقه ای و جامعه بین

المللی با ایجاد رژیم حقوقی خاص اقدامات و تدابیر جدیدی برای حمایت از پایگاه‌های داده و آثار مشمول کپی رایت در فضای مجازی اتخاذ نمودند.

«قانون کپی رایت هزاره دیجیتال» در ایالات متحده سال 1998¹ و دستور العمل 2001 اتحادیه اروپا در مورد هماهنگ ساختن برخی ابعاد کپی رایت و حقوق مرتبط در جامعه اطلاعات² و معاهده وایپو راجع به حق مولف 1996³ از این جمله می‌باشند. مدافعان حقوق بشری حق دسترسی آزادانه اطلاعات با وضع این قوانین در سطوح ملی و منطقه ای و بین المللی براین باورند که کپی رایت در فضای مجازی از دنیای واقعی در خصوص ایجاد محدودیت بر حق دسترسی به اطلاعات پیشی گرفته است و حمایت‌های شدیدتر آن، محدودیت‌ها و استثنائات کپی رایت را به حاشیه رانده است. مثلاً در دنیای واقعی امکان توری یک کتاب در کتابفروشی وجود دارد ولی در دنیای مجازی امکان پذیر نیست. مدت زمان حمایت از آثار نیز در فضای مجازی بیشتر است و چه بسا کتاب‌هایی در پایگاه‌های داده قرار می‌گیرند که مدت زمان حمایت کپی رایت آنها سپری شده است. این محدودیت‌ها برای شهروندان کشورهای در حال توسعه که امکان دسترسی کمتری به کتابخانه‌های واقعی دارند بیشتر موجب نقض حق دسترسی آزادانه به اطلاعات می‌گردد. برای کشورهای در حال توسعه، هم دسترسی به آثار کپی رایت شده و هم استفاده از آنها، هر دو مطرح است و این به علت هزینه بالای دسترسی است در حالی که در کشورهای توسعه یافته کتابخانه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی امکان تهیه آثار کپی رایت شده را دارند (حبیبی مجنده، 1395، 9-11).

از طرف دیگر امروزه پخش و عرضه آثار ادبی و هنری لزوماً توسط آفرینندگان صورت نمی‌گیرد. مفهوم «کالاسازی»⁴ محصولات اندیشه ای این محصولات را از آفرینندگان واقعی آنها جدا می‌کند و در مسیر و جریان تجارت قرار می‌دهد. درجهان کنونی از کپی رایت به عنوان صنعت یاد می‌شود و شرکت‌های قدرتمند نشر و پخش و غول‌های رسانه ای، توزیع کنندگان اصلی کالاهای کپی رایت شده هستند زیرا عقیده براین است که برای دست یابی به بیشترین توزیع و نشر و پخش در سطح جهانی،

1 - Digital Millennium Copyright Act

2 - Direct 2001/29/EC of the European Parliament and of the Council of 22 May 2001 on the harmonization of Certain aspects of Copyright and related rights in the information Society

3 - WIPO Copyright Treaty 1996

4 - Commodification

آفرینندگان اثر نباید توزیع کننده اصلی باشند . بدین ترتیب نظام کپی رایت در عمل و در اکثر موارد از حقوق شرکتهای توزیع حمایت می‌کند و نه آفرینندگان اثر. کپی رایت به ابزار مهم تجاری برای کشورهای توسعه یافته تبدیل شده و سهم زیادی در مازاد تجاری این کشورها دارد. در حالی که دسترسی به این آثار برای اهداف والایی چون آزادی بیان ضروری است، ترجمه و چاپ مجدد آثار خارجی برای کشورهای در حال توسعه مستلزم پرداخت حق کپی رایت است . خود پدیدآورندگان معمولاً به در دسترس بودن آثار خود با کمترین هزینه و حتی بدون هزینه راضی هستند اما شرکتهای توزیع که کپی رایت را در اختیار دارند حریص و طماع هستند (حبیبی مجنده، 1394، 283-282).

عدم موازنه منطقی و عادلانه میان حقوق مادی پدید آورنده و حقوق جامعه در دسترسی آزادانه به اطلاعات موجب پیدایش نهضتی اجتماعی به نام کپی لفت گردید. کپی لفت روشی خاص برای ارائه آثار تحت حمایت کپی رایت است تا استفاده کنندگان متعهد گردند تمامی نسخه‌های مشتق شده یا گسترش یافته از اثر را نیز به صورت آزاد منتشر نکنند. کپی لفت با استفاده از قانون کپی رایت، اجازه نسخه برداری و ویرایش یک اثر را برای همگان محفوظ می‌دارد. براساس مجوز کپی لفت هیچ شخصی اجازه ندارد حق ویرایش و نسخه برداری را از دیگر افراد سلب کند.

از نظر پیشروان اولیه این نهضت ، آثار ادبی و هنری و خصوصاً شاهکارها مولود فکر یک فرد نیستند بلکه تجلی افکار مشترک تمامی مردم در سال‌های متمادی می‌باشند به نحوی که تجربه گروهی پشت هر گفتار وجود دارد. به همین دلیل از هنر و ادبیات انتظار می‌رود تا بهتر و فراتر از آنچه طراحی شده مجدداً تولید و تکثیر شوند و این امر ممکن نیست مگر با مساعدت آفریننده که از اثر خود چشم پوشی کند. نهاد کپی رایت امروزه بدنام است زیرا محدودیتی بر دسترسی آزاد به اطلاعات است. آن را سوء استفاده فرهنگی می‌نامند و مانعی بر سر راه تولید مفاهیم و اطلاعات ادبی و هنری است (Dusollier, 2003, 281).

این مقاله تلاش دارد تا ضمن بررسی مفهوم ، اهمیت، خصوصیات و آثار حقوقی نهاد کپی لفت به این سؤال پاسخ دهد که آیا نهاد کپی لفت می‌تواند میان حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری با حق بشری دسترسی آزادانه به اطلاعات توازن ایجاد کند؟

1. سابقه پیدایش و مفهوم کپی لفت

دیدگاه و نظرات ضد کپی راییت در واقع نشأت گرفته از جایگاه نویسندگان و مؤلفانی است که پیش از این کپی راییت را به عنوان یک مزیت و سرمایه مالی برای خود قلمداد می‌نمودند. لیکن به تدریج به این حقیقت پی بردند که این مزیت، مانع غیر قابل نفوذی بر آزادی آفرینش آثار ادبی و هنری است. این تفکر حاکی از آن است که نهاد کپی راییت از حقوق نویسنده به عنوان تضمین کننده آفرینش‌های فکری فراتر رفته است. کپی لفت برخلاف روش «ارائه رایگان اثر در مالکیت عمومی» این ویژگی را دارد که افراد نمی‌توانند با تغییرات جزئی یا کلی اثر اصلی، اثر جدید را به صورت انحصاری در بیاورند. کپی لفت نوعی بازی با کلمه کپی راییت است و تقابل میان کپی راییت و کپی لفت را برجسته می‌کند. راییت به قانون اشاره دارد در حالی که لفت به انصراف از هر قانونی اشاره دارد (Ibid,282).

کپی‌لفت با استفاده از کپی‌رایت تضمین می‌نماید که اجازه نسخه‌برداری و ویرایش یک اثر برای همگان محفوظ است و هیچ شخصی اجازه ندارد حق ویرایش و نسخه‌برداری را از دیگر افراد سلب کند. در عمل کپی‌لفت از کپی‌رایت در جهت خلاف هدف آن استفاده می‌کند یعنی به جای درآوردن اثر به حالت انحصاری، از انحصاری شدن آن جلوگیری می‌کند. کپی‌لفت یک روش جامع برای تضمین آزادی استفاده از آثار ادبی و هنری است. این روش نسخه‌های تغییر یا توسعه یافته را نیز مشمول آزادی استفاده قرار می‌دهد و بدین ترتیب از انحصاری کردن نسخه‌های ویرایش شده نیز جلوگیری می‌کند.

جنبش کپی لفت ریشه در برنامه نویسی کامپیوتر (نرم افزار)، اعلام آزادی دسترسی به کد منبع نرم افزار و تأکید بر ضرورت خلق یک اثر جمعی دارد. این الگو از 1980 در آزمایشگاه MIT ریچارد استالمن¹ متولد شد. او بنیان‌گذار و قهرمان این جنبش است. استالمن مخالف با مدل تجاری توزیع نرم افزار بود. به نظر وی این امر با ارزش‌های اساسی و ویژگی‌های دنیای ارتباطات و دانش کامپیوتر در تعارض است. به نظر وی برنامه نویسان وظیفه دارند دیگران را به اشتراک، باز نشر، مطالعه و ارتقاء نرم افزار که ما می‌نویسیم تشویق کنند و به عبارت دیگر نرم افزار آزاد بنویسند.

با این حال این الگو امروزه به تمامی آثار مشمول کپی‌رایت خصوصاً آثار هنری سرایت کرده است. در فرانسه مجوزهای آزاد هنری توسط خود هنرمندان توسعه یافته است. آنان نویسندگان را به استفاده از

¹ Richard M. Stallman

آثارشان به منظور مبادله و آزادی باز تولید از اثر ترغیب می‌کنند. کپی لغت و دیگر اشکال هنر آزادانه و در دسترس، از نقطه نظر برخی از نویسندگان، نقطه پایان کپی رایت می‌باشد (Ibid,282-283).

2. ماهیت کپی لغت و دلایل موافقان

مدل حقوقی کپی لغت به معنای پایان کپی رایت و حق مؤلف نیست و برعکس آزادی تغییر و انتشار اثر تنها به وسیله توسل به حق انحصاری مؤلف ممکن می‌باشد. تنها اراده مؤلف است که اثر را به عموم برای استفاده، تغییر و انتشار می‌سازد، در نتیجه می‌توان گفت مؤلف و کپی رایت اساس و بنیاد نظام کپی لغت هستند. جنبش آزادی دسترسی به اطلاعات، ادعای آزادی کاربر برای کپی کردن و جعل اثر را ندارد و فقط توانایی مؤلف در اعطای آزادی دسترسی به اطلاعات را به کاربران بعدی بیان می‌کند. محدوده اثر آزاد (کپی لغت) توسط مؤلف تعیین می‌شود. مؤلف با اعمال حق انحصاری خود، اشتراک گذاری دانش را برای همگان ممکن می‌سازد. اثر آزاد مانند مؤلفی است که در اثر خود یک نظریه را ایجاد می‌کند و سایر مؤلفان با تکیه بر آن آثار دیگری می‌آفرینند، نرم افزار منبع باز نیز به وسیله دادن کد منبع این امکان را برای تغییر، بازنگری مجدد و ارتقاء برای دیگران فراهم می‌کند. در این معنا، مؤلف نخستین، تنها یک فرد است که نظریه را بیان می‌کند ولی همه فرصت‌ها را برای خلق اثر توسط دیگران فراهم می‌نماید. یک برنامه کامپیوتری در یک مدل منبع باز، فقط یک ادعا و نظریه برای نخستین بار است اما نه پایان آن. در این رویکرد، هنرمند از این به بعد اثر خود را به عنوان مالی شخصی که نشان شخصیت منحصر به فردش باشد در نظر نمی‌گیرد. بلکه آن را به عنوان اثری که می‌تواند به وسیله دیگران تصاحب شود، تلقی می‌نماید زیرا هدف مشارکت در خلق آثار بیشتری است. از نظر فوکو مؤلفان بی نظیر و بی مانند کسانی هستند که نه تنها مؤلف آثار خود هستند بلکه با ایجاد فرصت در بهره مندی و استفاده از آثار خود موجب شکل‌گیری گفتمان‌هایی در حوزه‌های سیاسی، علمی، روانشناسی و درمان می‌گردند (Ibid,293).

حامیان تندرو منبع باز و کپی لغت پیش بینی کردند که این جنبش صدای ناقوس مرگ کپی رایت است در حالی که کپی رایت یک مفروض قانونی و ضروری برای مجوز هنر آزاد است. در مجوزهای نرم افزار منبع باز براساس مدل کپی لغت این حقوق به کاربر داده می‌شود تا با تکیه بر سابقه حقوق انحصاری مؤلف، اثر او را توزیع

نماید . کپی لغت دو مجوز به کاربر می‌دهد : 1. حقوق ضروری کپی رایت برای بهره برداری از اثر 2. استفاده از اثر در چارچوب شرایط تعیین شده توسط مؤلف. بنابراین کاربر می‌تواند با اشتراک گذاری کد منبع و تغییرات ایجاد شده از اثر اصلی کپی نماید، آن را تغییر دهد و آن را توزیع نماید. در غیر این صورت (بدون اشتراک گذاری) کپی رایت قدرتش را پس می‌گیرد . زیرا این حق در مقابل تمام افراد (جهان) است و به طور مشروط به یک فرد واگذار شده است . کاربری که از این شرایط عدول کند، نه تنها مرتکب نقض قرارداد می‌شود بلکه مرتکب نقض کپی‌رایت هم می‌شود. نتیجه این که کپی لغت در کپی‌رایت استوار می‌شود (Ibid,286) .

هر چند مجوزهای کپی لغت در بردارنده حقوق مادی کمتری برای مجوز دهنده هستند لیکن این مجوزها از حیث توانایی در برانگیختن ابداع و نوآوری بر مجوزهای تجاری (غیرکپی لغت) برتری دارند. روند و سرعت استفاده از مجوزهای کپی لغت بسیار بیشتر از مجوزهای تجاری توسط کاربران بوده است. این در حالیست که مجوزهای کپی لغت محدودیت های شدیدتری اعمال می‌کنند و امکان سود بردن کمتری به توسعه دهندگان برای خصوصی سازی توسعه نرم افزار می‌دهند. نرم افزارهای منبع باز در سال های اخیر نفوذ وسیعی در بازار نرم افزار پیدا کرده اند. در گزارش مؤسسه تحقیقاتی گارتنر آمده است که نرم افزارهای منبع باز 22 درصد بازار سنتی نرم افزار را در طول سال های آینده به دست خواهند آورد (D` Antony,2007,163) .

3. حمایت از نرم افزارهای رایانه ای

در ابتدای ظهور رایانه ، مسأله وضعیت حقوقی نرم افزار به شکل امروز مطرح نبوده است. در اوایل، نرم افزار با سخت افزار همراه بوده و شرکت‌های کامپیوتری آنها را به صورت محصولات ترکیبی به فروش می‌رساندند. پس از دهه 1970 میلادی، نرم افزار و سخت افزار از وابستگی به یکدیگر خارج شدند و به محصولات خاص خودشان تبدیل شدند. یک دهه بعد، کامپیوترهای شخصی به وجود آمدند و به فروش میلیونی دست یافتند و در جریان استفاده از رایانه‌های شخصی، نرم افزار به یک تجارت بزرگ تبدیل شد و مسأله حمایت از آن مطرح گشت (de laat. 2005 , 7) .

اولین طریقی که شرکتها برای حمایت از برنامه‌های نرم افزار تحت حقوق مالکیت فکری اتخاذ کردند، حفاظت از این نرم افزارها به عنوان اسرار تجاری بود

لیکن توسعه روزافزون روش‌های تکنیکی و تکنولوژیکی که امکان دستیابی رقبا و کاربران را به اطلاعات نرم افزاری فراهم می‌کرد و همچنین دشواری روش‌های اثباتی و نگهداری سرتجاری، این شرکت‌ها را به سمت طرق دیگر حمایتی حقوق مالکیت فکری سوق داد.

از دهه 1980 به بعد، وکلای شرکت‌های نرم افزاری به مزایای حمایت کپی رایت از نرم افزار پی بردند. کپی رایت در واقع برای حمایت از آثار ادبی مثل رمان‌ها، شعرها و نمایشنامه‌ها و آثار هنری مثل نقاشی و مجسمه سازی به وجود آمد. بیان خلاقانه این آثار و نه ایده‌های ضمنی اثر مورد حمایت قرار گرفت. نرم افزار از جهت آن که متضمن یک اثر نوشته و تثبیت شده است شرایط لازم برای حمایت کپی رایت را دارا می‌باشد و در نتیجه به سلاح مؤثری در مقابل کپی غیرقانونی از نرم افزارها تبدیل می‌گردد. با این حال ایده‌های ضمنی و الگوریتم‌های نرم افزار نمی‌تواند با نظام کپی رایت حمایت شوند. شرکت‌های توسعه دهنده نرم افزار به زودی دریافتند آنچه در نرم افزار بیشترین اهمیت را دارد، فراتر از متن نوشته آن است که با وجود نظام کپی رایت هنوز هم غیرقابل حمایت است (Ibid, 10-11).

گزینه دیگری که برای حمایت نرم افزار قابل تصور است، نظام حق اختراع می‌باشد. برای به دست آوردن حمایت تحت حقوق ورقه اختراع، مفید بودن، تازگی و غیر بدیهی بودن از اهمیت بسیاری برخوردار است. با اعطای این حق، مخترع حق محدود کردن دیگران را از ساخت، استفاده و یا فروش محصولش به دست می‌آورد و دیگران اگر بخواهند از این اختراع بهره برداری کنند، چاره ای ندارند به جز تلاش برای کسب مجوز از صاحب ورقه اختراع. در موضوع نرم افزار به طورخاص، توسعه دهندگان این صنعت تلاش نمودند تا نشان دهند که نرم افزارها ویژگی و خلاقیت‌های لازم برای کسب ورقه اختراع را دارند. اگر آنها می‌توانستند این حمایت را به دست آورند، نه تنها متن نوشته نرم افزار و کدهای آن بلکه ایده‌های ضمنی و الگوریتم‌های محصول هم تحت حمایت قرار می‌گرفت (Ibid, 12).

در سازمان جهانی مالکیت فکری در سال 1985 میلادی گروه کاری متشکل از کارشناسان سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو برای رسیدن به هماهنگی در سطح بین المللی برای حمایت از نرم افزارها شکل گرفت. از حیث قانونگذاری در سطح بین المللی برای اولین بار در ماده 10 موافقت نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) برنامه‌های رایانه ای اعم از این که در قالب کدهای اصلی یا کدهای دیدنی (ماشینی) باشند تحت

شمول کنوانسیون برن (1971) مورد حمایت قرار گرفتند. براساس بند یک ماده 2 کنوانسیون برن در صورتی که نوشته خلق شده اصیل باشد صرف نظر از محتوا و نوع آن، مقررات حق مؤلف در مورد آن قابل اجرا است. با این که ماده 4 معاهده جهانی کپی رایت (WCT) گرایش به قراردادن برنامه‌های رایانه ای تحت نظام حق مؤلف دارد لیکن دولتهای عضو را در انتخاب هر یک از جنبه‌های مالکیت فکری به منظور حمایت از این برنامه‌ها، آزاد و مختار قرار داده مشروط براین که این حمایت از حداقل حمایت‌های پیش بینی شده در موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری کمتر نباشد (میرحسینی، 1391، 97).

در همین زمان که حمایت از نرم افزار و تعیین یک سیستم حمایتی از آن به دغدغه ای ملی و جهانی تبدیل شده بود، رویکرد مخالفی به نام جنبش «نرم افزار باز» شروع به رشد کرد. این حرکت که برجریان آزاد نرم افزار در فرم کد منبع تأکید دارد براین عقیده است که استفاده از ابزار کپی رایت یا ورقه اختراع در حمایت از نرم افزار برای توسعه این صنعت نامناسب و حتی آسیب رسان است (de laet.Op.cit, 14).

4. نرم افزار منبع باز

دسترسی به کد منبع¹ و حق تغییر و ارتقای نرم افزار، برخی از خصوصیاتی هستند که نرم افزارهای منبع باز را از نرم افزارهای تجاری متفاوت می‌سازند. نرم افزار اصولاً در یک یا دو شکل از فرمت کد توزیع می‌شود. این کد می‌تواند به صورت کد مقصد² یا کد منبع باشد. کد مقصد که به آن کد ماشین هم گفته می‌شود. پایین ترین سطح در زبان برنامه نویسی است و برای انسان قابل فهم نمی‌باشد.

روش دیگر نوشتن برنامه نرم افزار، استفاده از کد منبع است که برنامه را به صورتی مشابه با کلماتی قابل فهم برای انسان و با عباراتی که توسط او قابل درک است نوشته می‌شود و سپس از طریق برنامه دیگری که کمپایلر³ یا مترجم⁴ نامیده می‌شود به زبان ماشین تبدیل و اجرا می‌گردد. برنامه نویسی با کد منبع بسیار آسان است و امکان آن را می‌دهد که به سهولت

1 - Source Code

2 - Object Code.

3 - Compiler.

4 - Interpreter.

خواسته‌های برنامه نویسی به صورت برنامه در آید (صادقی نشاط، 1389، 69-70).

قراردادهای لیسانس در نرم افزارهای تجاری از دسترسی کاربر/مجوز گیرنده به کد منبع جلوگیری می کنند، در حالی که یکی از اصول اساسی در نرم افزار باز آن است که کاربر/مجوز گیرنده به کد منبع دسترسی داشته باشد و مهمتر آن که حق تغییر در کد منبع را برای اصلاح معایب و خرابی‌ها (باگ‌ها) و یا اضافه کردن و توسعه آن داشته باشند (Kennedy, 2001, 2).

در سیستم منبع باز، توسعه نرم افزار مبتنی بر تلاش و اراده افراد جامعه است، زیرا کاربران به کد منبع دسترسی دارند و حق تغییر آن را نیز دارند. برنامه‌های منبع باز با استفاده از تغییرات، پیشنهادات و برنامه نویسی بالقوه هزاران برنامه نویسی کمی، رشد می‌یابند. در نتیجه، این نرم افزارها از طریق تلاش گروه زیادی از برنامه سازان داوطلب، ایجاد می‌گردند.

تلاش این داوطلبان از طریق یک شخص یا گروه کوچکی که مسئولیت نرم افزار منبع باز را به عهده دارند، مدیریت می‌شود. به طور مثال در مورد نرم افزار Linux که شاید معروفترین مثال نرم افزار منبع باز باشد، این شخص Linux Torvalds و گروه کوچکی از دستیاران مورد اعتماد او هستند که هر از گاهی نسخه رسمی جدید نرم افزار را منتشر می‌کنند (Ibid, 2-3).

5. انگیزه‌ها و دلایل گرایش به نرم افزار منبع باز

همانطور که در بخش قبلی گفته شد، در نرم افزارهای منبع باز، هر کس حق دسترسی آزادانه به کد چنین برنامه‌ها و همچنین تغییر و توزیع برنامه را دارد و در عین حال اعمال این تغییرات هیچ حقی را برای صاحبان آن به منظور تبدیل نرم افزار به دارایی خصوصی ایجاد نمی‌کند. این امر باعث تمرکز زدایی توسعه برنامه می‌شود. همچنین این طرح موجب ارتباط مشارکت کنندگان یا برنامه سازان و مساعدت همیشگی آنان با یکدیگر می‌گردد و فضایی را خلق می‌کند که برنامه سازان با استعداد، انگیزه برای ارائه توانایی‌های خود از طریق مسیر نرم افزار باز را داشته باشند (Mustonen, 2003, 101).

اگر پروسه منبع باز فراگیر شود، قابلیت اعتماد به نرم افزار بالا می‌رود زیرا مخاطبان و کاربران نقص‌ها و معایب احتمالی در نرم افزار را کشف و برطرف می‌سازند. در نرم افزارهای تجاری، رفع عیب کردن و بهبود بخشیدن نرم افزار، کاری دشوار است. زیرا کد

نرم افزار به مثابه یک جعبه سیاه عمل می‌کند. اما در نرم افزار باز اشاعه کد منبع، کیفیت نرم افزار را تضمین می‌کند.

از طرف دیگر، در نرم افزار باز کنترل در دست کاربران قرار دارد. کاربر در تعمیر، تغییر و به روزرسانی نرم افزار آزاد است در حالی که در نرم افزارهای تجاری و دارای حق انحصاری، سازنده دارای تمام کنترل است. کنترل و نظارت کاربران در نرم افزار باز، به این نرم افزارها زندگی ابدی می‌دهد. دسترسی به کد منبع باعث می‌شود استفاده از نرم افزار، فراتر از زمان تجاری محصول ادامه یابد. تجربه شخصی کاربران کمک می‌کند که یک نرم افزار همراه با نیاز جامعه ارتقا یابد و استفاده از آن ادامه پیدا کند (de laet. Op.cit , 15).

با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که دلایل گرایش به نرم افزارهای منبع باز از دیدگاه سه گروه قابل بررسی است. یکی دلایل و انگیزه‌های مشارکت کنندگان یا برنامه سازان در جنبش منبع باز. دوم دلایل و انگیزه‌های مخاطبان و کاربران این نوع نرم افزار و دیگری دلایل شرکتهای تولید کننده نرم افزار منبع باز.

1-1. انگیزه مشارکت کنندگان :

از دلایل و انگیزه‌های مشارکت کنندگان جنبش منبع باز می‌توان به بالا بردن مهارت در کدنویسی، لذت کار با یک تیم برنامه نویسی، یادگیری و اشاعه مهارت و دانش، عضویت و مشارکت در انجمن و جماعت منبع باز و ارتقای کاربرد گرایي نرم افزار برای استفاده شخصی و در مواردی شهرت طلبی را نام برد (Ibid , 16).

شرکت کنندگان در نرم افزارهای آزاد از طریق تعمیر و تغییر و الحاق به کد منبع این نرم افزارها ، مهارت و توانایی‌های خود را به رخ یکدیگر می‌کشند و از این طریق باعث افزایش خلاقیت در جامعه می‌گردند. همچنین با توجه به نیاز خود، کارایی نرم افزار را افزایش می‌دهند و مسائل مبتلابه کاربران نرم افزار را بر طرف می‌کنند و به توسعه و تکامل و به روز رسانی نرم افزار یاری می‌رسانند. به علاوه نرم افزار منبع باز این فرصت را برای آنان فراهم می‌سازد که به عنوان یک کاربر نرم افزار در امر تولید و ارتقای یک پروژه بزرگ فعالیت داشته و همچنین حس جاه طلبی و شهرت طلبی این کاربران را که اغلب نوجوانان و جوانان با هوش و هک‌های کامپیوتری هستند را اقناع می‌نماید.

2-5. انگیزه شرکت‌های تولید نرم افزار

عمده ترین انگیزه برای شرکت‌های تولید نرم افزار باز، کاهش هزینه است. این شرکت‌ها به جهت آن که نرم افزار را با منبع باز توزیع می‌کنند، نه تنها هیچگونه تضمینی برای استفاده از نرم افزار نمی‌پذیرند، بلکه از ارائه خدمات پشتیبانی نیز معافاند. انصراف از تضامین یک مسأله اصلی در مجوزهای منبع باز است، زیرا توسعه دهندگان و مشارکت کنندگان مایل نیستند در برنامه ای مشارکت کنند که متحمل مسئولیت گردند.

همچنین استفاده از منبع باز امکان هرگونه رفع عیب، رفع باگ و خرابی را برای کاربران فراهم می‌کند و آنان نیازی به استفاده از تضامین ندارند. ارتقاء و رفع عیب این نرم افزارها، شرکت‌های تولید کننده را از ارائه خدمات پشتیبانی معاف می‌کند و آنها نیازی به صرف هزینه برای توسعه و ارتقای نرم افزار ندارند. این امر عامل مهمی در گرایش شرکت‌ها به تولید نرم افزارهای منبع باز است. از طرفی امکان ارتقاء و توسعه این نرم افزارها و کاربرد گرایشی آنها در راستای نیاز جامعه، اقبال عمومی را در گرایش به این قبیل نرم افزارها افزایش داده است و همین امر انگیزه و دلیل دیگری را برای شرکت‌های تولید کننده نرم افزار فراهم می‌آورد.

3-5. انگیزه مخاطبان و کاربران

با توجه به مطالب پیش گفته دلایل و انگیزه‌های گرایش کاربران به استفاده از نرم افزارهای منبع باز، هزینه پایین این نرم افزارها، به روز بودن، کارآمدی و رفع عیوب و نواقص و همچنین طول عمر این نرم افزارها در مقایسه با نرم افزارهای تجاری و انحصاری می‌باشد. لیکن فراتر از این تأثیرات و در حیطه گسترده تر، استفاده از نرم افزارهای باز، موجب تضمین برخی حقوق عمومی جامعه می‌گردد.

سیستم منبع باز اصولاً در تقابل با انحصار ناشی از ورقه اختراع و جهت تضمین حقوق جامعه در تضاد با نظام حقوق مالکیت فکری به وجود آمد. سؤال اساسی در این زمینه آن بود که آیا تولید و توزیع دانش به منظور افزایش سهم عمومی از اطلاعات و دانش دنبال می‌شود یا برای تولید درآمد و بهره برداری خصوصی؟ (ibid, 3). سیستم منبع باز با امکان دسترسی کاربران به کد منبع، جریان آزاد دسترسی به اطلاعات را که یکی از حقوق بنیادین بشری است، تأمین می‌نماید.

توزیع نرم افزارها با منبع باز، این امکان را فراهم می‌کند که استفاده کنندگان با استفاده از اطلاعات کد منبع، به تولید نرم افزارهای جدید مبادرت کنند و نه تنها دانش و اطلاعات از انحصار خارج می‌شود و جریان می‌یابد بلکه فضای رقابتی برای تولید محصولات جدید بر مبنای این دانش به دست می‌آید که خود باعث کاهش هزینه‌ها و تولید محصولات با قیمت کمتر می‌شود و در نهایت منفعت جامعه و رفاه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

6. پیدایش مجوزهای نرم افزار منبع باز (کپی لفت) و خصوصیات آنها

مجوزهای نرم افزارهای تجاری یا کد بسته، معمولاً به این دلیل طراحی می‌شوند که آزادی سهام شدن و تغییر نرم افزار را از کاربران بگیرند. این مجوزها محدودیتهایی برای چگونگی استفاده از نرم افزار، محدودیت استفاده از نرم افزار برای دستگاه‌های مشخص، محدودیت استفاده از نرم افزار برای تعداد معین کاربر، اهداف تجاری خاص و مانند آن را برقرار می‌کنند. در مقابل مجوزهای نرم افزار منبع باز، آزادی کاربر را در اشتراک و تغییر آزادانه برنامه تضمین می‌کنند. برای آن که نرم افزاری به عنوان نرم افزار منبع باز محسوب شود باید تحت بعضی از انواع این مجوزها منتشر شود. به عبارت دیگر آنچه یک نرم افزار را به عنوان نرم افزار منبع باز مطرح می‌کند، استفاده از مجوزهای منبع باز است (Kennedy, Op.cit, 4).

همانگونه که پیش از این گفتیم نظام پذیرفته شده در حمایت نرم افزار، نظام کپی رایت است. بنابراین یک نرم افزار به محض ایجاد، تحت قواعد کپی رایت حمایت می‌شود و صاحب آن می‌تواند تمامی حقوق خود را مطابق این نظام حمایتی اعمال کند. اما اگر صاحب حق بخواهد از مزایای نرم افزار منبع باز مانند اصلاحات کاربران و ارتقای بی هزینه نرم افزار خود استفاده کند و یا به دلیل مبانی اخلاقی و ایدئولوژی مخالف انحصار دانش و معتقد به نشر و توزیع آزادانه نرم افزار تولیدی خود باشد، می‌تواند از حقوق متعلق به خود صرف نظر کند و نرم افزار خود را در چرخه توزیع و تکثیر مجدد قرار دهد. به این منظور بایستی این نرم افزار را با کد منبع باز منتشر کند، اما این باز بودن کد منبع چگونه است؟ آیا به صورتی است که کد منبع به آسانی در وب سایت گذاشته شود و هر شخصی امکان دانلود آن را داشته باشد؟ پاسخ به این سؤال کمی پیچیده است زیرا حقوق کپی رایت در اینجا نیز

اعمال می‌شود ولی در سبک و سیاقی متفاوت. خالقان نرم افزار منبع باز، به مانند نرم افزارهای تجاری صاحب حقوق کپی رایت اثر خود هستند، لیکن پس از خلق اثر، اقدام به نوشتن یک مجوز برای کاربران آینده اثر خود می‌نمایند. در این مجوزها، خالق برخی یا تمام حقوقی که به موجب کپی رایت به دست می‌آورد را از خود سلب و ساقط می‌نماید. کاربری که از این نرم افزار استفاده می‌کند، فرض است که به صورت اتوماتیک از شرایط این مجوزها اطاعت می‌کند (قابل ذکر است که شرایط مجوز، تنها برای کاربرانی اعمال می‌گردد که قصد کپی کردن، تغییرات و توزیع مجدد کدها را دارند و کاربر عادی تنها با استفاده از نرم افزار و اجرای آن ملزم به مفاد مجوز نمی‌گردد، لذا این شرایط موجب گمراهی کاربر نمی‌شود) (de laat. Op.cit , 18).

خالق نرم افزار منبع باز برای آن که بتواند نرم افزار خود را کپی لفت نماید، می‌تواند از قالبهای خاص که به آن مجوزهای منبع باز می‌گویند برای نیل به هدف خود استفاده کند. مجوزهای کپی لفت، یک رابطه دو سویه میان کاربر و خالق به وجود می‌آورند. خالق از یک طرف با انتشار کد منبع، امکان سهم شدن کاربران و دسترسی آزادانه آنان را به اطلاعات نرم افزار فراهم می‌آورد و از سوی دیگر از توسعه، تغییرات و به روز شدن نرم افزار خود توسط کاربران سود می‌برد. بنابراین کپی لفت با استفاده از امکانات کپی رایت نرم افزار، ضوابط و شرایط آن را در مسیر مخالف پیش می‌برد و به جای انحصار به آزاد سازی نرم افزار اقدام می‌کند. صاحب و خالق نرم افزار نیز حقوق ناشی از کپی رایت را از دست نمی‌دهد بلکه با کنترل بر همین حقوق، آنها را به روشی دیگر و در سمت و سویی دیگر استفاده می‌نماید.

مزایای مجوزهای منبع باز بسیار زیاد است. این گونه مجوزها دسترسی و استفاده از مواردی را مجاز می‌گردانند که در صورت فقدان چنین مجوزی استفاده و دسترسی به آنها نقض کپی رایت محسوب می‌شود. این مجوزها شرایط یکسانی را برای هر فرد در دستیابی به کد منبع فراهم می‌کنند و در نتیجه این دسترسی، نیاز به انجام معاملات فردی و هزینه‌های هنگفت چنین معاملاتی از بین می‌رود. محتوایی که تحت این مجوزها قابل دستیابی است، منابع مورد نیاز برای استفاده برنامه نویسان کامپیوتری را افزایش می‌دهد و آنها را برای ارتقا و بهینه سازی سریع نرم افزار توانا می‌سازد (Bitton, 2011 , 79).

در سال 1984 ریچارد استالمن بنیاد نرم افزار آزاد یا FSF¹ را تأسیس کرد. او از شغلش در انستیتوت تکنولوژی ماساچوست استعفا داد و پروژه بلند پروازنه نوشتن یک سیستم اجرایی به نام «گنو»² را آغاز کرد (de laa. Op.cit 19). شاید مهم‌ترین هدف پروژه گنو، ایدئولوژی استالمن در مورد توسعه نرم افزار بود. استالمن اعتقاد داشت که اطلاعات جزء اموال عمومی است و کد منبع نرم افزار به عنوان منبع اطلاعات بایستی به اشتراک گذاشته شود. به عقیده استالمن، اختصاص و انحصاری بودن کد منبع نرم افزار موجب می‌شود تا آن نوع از همکاری و روحیه اجتماعی که برای توسعه یک نرم افزار ضروری است به وجود نیاید. راه حل FSF برای رهایی از نرم افزار اختصاصی نهاد و مفهومی جدید بود که استالمن آن را «کپی لفت» نامید. کپی لفت کد منبع را به صورت آزادانه در دسترس اشخاص قرار می‌داد تا بتوانند آن را تغییر دهند و دوباره آن را توزیع کنند (Lee, 1999, 15).

به منظور ثمردهی مفهوم کپی لفت، استالمن اولین نمونه از مجوز منبع باز را به نام مجوز عمومی کلی³ (جی پی ال (GPL)) گنو به وجود آورد. فرایند کپی لفت کردن در مجوز گنو به کپی رایت کردن معمولی شباهت دارد. در ابتدا FSF نرم افزار را کپی رایت می‌کند و سپس در مرحله دوم آن را تحت شرایط این مجوز قرار می‌دهد. تفاوت اصلی و اساسی در مرحله دوم است. این مجوز به مجوز گیرنده اجازه می‌دهد اعمالی را انجام دهد که علی‌الاصول تحت مجوزهای معمول نرم افزارهای منبع بسته و انحصاری، باعث نقض حقوق انحصاری مجوز دهنده تحت حقوق کپی رایت می‌گردد. به عنوان مثال مجوز گنو به مجوز گیرنده حق کپی کردن، توزیع کردن و تغییر برنامه را مطابق شرایط می‌دهد (Ibid, 12).

مجوز گنو نشان می‌دهد که استالمن و FSF به حقوق مالکیت فکری در خصوص نرم افزار عقیده ندارد. در واقع از بیانیه مشهور گنو استنباط می‌گردد که استالمن در حقوق مالکیت فکری به طور خاص در مورد نرم افزار متنفر است. او اجرای حقوق مالکیت فکری را برای اعطای انگیزه به برنامه نویسان نرم افزار غیر ضروری می‌داند. زیرا این حقوق از استفاده و توزیع

1 - Free Software Foundation.

2 - GNU.

3 - General Public License.

نرم افزار توسط افراد جامعه جلوگیری می‌کند (Kennedy, Op.cit , 2).

به عبارت دیگر به همان شدتی که خالقان اموال فکری حمایت مالکیت فکری را طلب می‌کنند، استالمن آن را نفی می‌کند. از نظر استالمن، کسانی که نرم افزار با کد بسته خلق می‌کنند، محکر نرم افزار هستند و بنابراین کپی لفت از ابزارهای محکران نرم افزار (یعنی کپی رایت و مجوزهای کپی رایت) علیه خود آنها استفاده می‌کند (Lee, Op.cit , 17).

به نظر استالمن ، یک فرد نیاز دارد آزادانه بر کامپیوترش کنترل داشته باشد و این از طریق نرم افزار آزاد منبع باز¹ (FOSS) محقق می‌شود . در این مدل ، برنامه‌نویسان در سراسر جهان با استفاده از اینترنت فعالیتها را با پایه کد قابل اشتراک هماهنگ می‌کنند. مدل نرم افزار آزاد منبع باز ، جهان نرم افزارهای تجاری را تحت تأثیر قرار داده است و باعث کاهش فرماندهی سنتی و کنترل جهت‌دار نرم افزارها گردیده است (vetter,2008, 297&301)

صرف نظر از بحث‌های بوجود آمده پیرامون نظریات استالمن و دیدگاه موافقان و مخالفان، امروزه جنبش نرم افزارهای منبع باز بر مبنای مجوز گنو و دیدگاه‌های استالمن حرکت می‌کند. لذا لازم است مجوز گنو به عنوان اصلی ترین و مهم ترین سند و مجوز منبع باز بررسی گردد.

7. مجوز گنو

پروژه گنو از سال 1984 به منظور توسعه یک سیستم عامل کامل و آزاد آغاز گردید. اولین نسخه مجوز عمومی گنو در سال 1988 و نسخه کاملتر آن که هم اکنون استفاده می‌شود یعنی نسخه دوم در سال 1991 عرضه شد. نسخه دوم مجوز جی‌پی ال تا امروز بزرگترین و عمومی ترین مجوز منبع باز است و نزدیک به 70 درصد از نرم افزارها در جهان با این مجوز منبع باز اجرا می‌شوند (Sheong ,2005 , 2).

گنو از دو بخش تشکیل شده بخشی مقدمه یا بیانیه ریچارد استالمن و بخش دیگر مجوز استفاده در بخش مقدمه، استالمن فلسفه ضمنی «نرم افزار آزاد» را شرح داده است و تا اندازه ای نظریه اش درباره نرم افزار را در این بخش تدوین کرده است. ماهیت گنو در واقع در مقدمه آن بیان شده است. «وقتی ما از نرم افزار

¹ - Free Open Source Software

آزاد صحبت می‌کنیم، این کلمه «آزاد»¹ به آزادی اشاره دارد نه قیمت. مجوز گنو به این منظور به وجود آمده که به شما اطمینان دهد در توزیع کپی‌های نرم افزار آزاد هستید. شما کد منبع را دریافت می‌کنید یا می‌توانید در صورت تمایل آن را به دست آورید و متعاقباً مجاز هستید که نرم افزار را تغییر دهید» در اینجا و در این قسمت از مقدمه، سه مورد از مؤلفه‌های اساسی نرم افزار آزاد آورده شده است. حق توزیع، حق دستیابی به کد منبع و حق تغییر. در بخش دیگری از مقدمه آمده است: «اگر شما کپی‌های چنین برنامه ای را توزیع می‌کنید، بایستی همه حقوقی را که دریافت داشته اید، ارائه دهید و بایستی مطمئن شوید دریافت کنندگان از شرایط، حقوق خود و امکان دستیابی به کد منبع مطلع گشته اند.» (Kennedy, Op.cit, 2).

مجوز ابتدا اجازه می‌دهد که نرم افزار بدون کسب اجازه و مجوز ثانوی از مجوز دهنده اصلاح و توزیع شود. در مرحله دوم مجوز مطمئن می‌شود که مجوز گیرنده از این که نرم افزار بدون ضمانت و گارانتی توزیع و پخش شده کاملاً آگاه است. در مرحله سوم مجوز، نرم افزار را از هرگونه حق اختراع تحدید کننده، آزاد می‌سازد (Sheong, Op.cit, 2).

از نکات کلیدی مجوز گنو آن است که حقوق دریافت شده توسط کاربر نرم افزار با توزیع مجدد آن واگذار می‌شود. به عبارت دیگر حقوق و تکالیف از یک دریافت کننده در یک چرخه بی پایان به دیگری منتقل می‌شود. همچنین تغییر و ترکیب مجدد تنها تحت شرایط مجوز مشابه امکان توزیع دارد. این یک ابداع زیرکانه است که برای هر بار توزیع تغییرات کد تحت مجوز، مجوز گنو به صورت یک تعهد متقابل اجباری است. به این ترتیب، هر وقت یک برنامه ساز، کد تحت مجوز گنو را با یک کد دیگر مخلوط کند، محصول نهایی تنها تحت شرایط گنو می‌تواند توزیع شود. از این نظر برخی گفته اند که کد گنو به یک ویروس شباهت دارد (de laet, Op.cit, 20).

تعجب برانگیز نیست که همین جنبه از گنو یعنی تعهد متقابل بیشترین انتقادات را به خود جلب کرده است. شرکت‌های توسعه دهنده نرم افزار خصوصاً شرکت‌های بزرگ ترس این را دارند که نرم افزارهای ایشان توسط برخی از توسعه دهندگان نرم افزار (که گاهی تعدادشان هزاران نفر و در کشورهای مختلف می‌باشند) به طور اتفاقی مشمول کد مجوز گنو شوند و سهواً موجب گردند

¹ - Free.

که نرم افزار انحصاری بالاجبار به یک کد مجوز گنو تبدیل شود. با این حال طرفداران مجوز گنو معتقدند این ترس بی اساس است، زیرا کد گنو قدرت خاصی فراتر از آنچه در حقوق کپی رایت اعطا می‌شود، ندارد و توسعه دهندگان نرم افزار خود نیز مایل نیستند به وسیله شرایط مجوز نرم افزارهای انحصاری محدود گردند، در هر حال، زدودن کدی که دچار این اتفاق شده و اصلاح این موقعیت به سرعت امکان پذیر است و چنانچه این عمل به عمد صورت گیرد مشمول نقض کپی رایت و قابل تعقیب توسط صاحب نرم افزار انحصاری است (Sheong, Op.cit, 26).

حیطه تعریف شده توسط مجوز گنو به روشنی مشخص می‌سازد که این مجوز تنها محدود به عمل کپی کردن، توزیع کردن و تغییر دادن کد منبع است. این تعریف همچنین مجوز گیرندگان را از تحمیل محدودیت‌های اضافه بر حقوق دریافت کننده نرم افزار منع می‌کند (Ibid, 27). به عبارت دیگر، مجوز گیرنده حق ندارد در توزیع مجدد نسخه تغییر داده شده، محدودیت‌های دیگری را علاوه بر محدودیت‌های مجوز اصلی اضافه نماید. زیرا مجوز گیرنده مجاز نیست که تغییرات در برنامه تحت مجوز گنو را اختصاصی کند و یا آن را مالک گردد. تغییرات بایستی تحت شرایط یکسان داخل در مجوز و تحت مقررات کپی لفت توزیع گردد (Kennedy, Op.cit, 18).

به علاوه، گنو از هر گونه رقیق سازی¹ جلوگیری می‌کند. اگر مجوز گیرندگان به هر دلیل مثل قرارداد، الزام دادگاه یا هر اجبار دیگری قادر به حفظ شرایط مجوز گنو نباشند، حق اجرای آن عمل را از دست می‌دهند. برای مثال اگر مجوز گیرنده قادر به توزیع نرم افزار بدون هزینه نمی‌باشد، حق توزیع نرم افزار را از دست می‌دهد اما سایر حقوق او به شرط پیروی از شرایط مجوز باقی می‌ماند (Sheong, Op.cit, 28).

همچنین مجوز دهنده حق اعمال تغییر مجوز گنو را جهت محدودیت در برخی حوزه‌های صلاحیت قضایی دارد. برای مثال اگر برخی کشورها مجوز دهی و توزیع برخی نرم افزارهای گنو را به دلیل وجود حق اختراع قبلی، اجازه ندهند، مجوز دهنده اجازه دارد که توزیع نرم افزار را در آن قلمروهای قضایی محدود کند.

8. جایگاه حقوقی نرم افزارهای منبع باز

علی رغم گذشت چندین دهه از پیدایش جنبش نرم افزار منبع باز، وضعیت حقوقی این نرم افزارها به دلیل کم

¹ - Dilution.

بودن دعاوی مطرح شده در دادگاه و در نتیجه عدم صدور رویه قضایی به اندازه کافی روشن نیست. فقدان رویه قضایی موجب شده ابهامات بسیاری در خصوص وضعیت حقوقی نرم افزارها همچون مالکیت شخصی نرم افزارها، اعتبار و قابلیت اجرای مجوزهای منبع باز و مسئولیت مربوط به این نرم افزارها به وجود بیاید که هنوز پاسخ قاطعی برای آنها وجود ندارد. با این حال مصوبه مهمی که تأثیر بزرگی بر مجوزهای منبع باز در امریکا داشته قانون متحدالشکل اطلاعات کامپیوتری¹ یا آکیتا² است.

آکیتا قانون یکپارچه ای در خصوص اطلاعات کامپیوتری است که پس از سالها تلاش در امریکا تصویب شد. تعریف اطلاعات کامپیوتری در آکیتا به اندازه ای گسترده است که نرم افزارهای منبع باز و مجوزهای آنها را نیز پوشش می‌دهد، این شمول، پیامدهای مهمی را به دنبال داشته است. اساساً آکتیا به این عنوان طراحی شده که بتواند شکافهای قانونی و خلاءهای حقوقی را در موضوعات مربوط به تکنولوژی کامپیوتری پر کند. در نتیجه آکیتا در امریکا توانسته است به موضوعاتی همچون مدت زمان مجوزهای منبع باز، تضمین‌ها و دیگر محدودیتها حکومت نماید و برخی ابهامات را در این خصوص رفع کند (Kennedy, Op.cit, 27).

وجود چنین مقرراتی در سایر قوانین ملی می‌تواند به حل مشکلات مسائل حقوقی مربوط به نرم افزارهای منبع باز کمک کند. برخی از این مسائل و مشکلات از این قرارند:

1-8 مالکیت:

در مدل توسعه منبع باز، اصل عمومی آن است که نویسنده کد، صاحب کپی رایت باقی می‌ماند اما همانگونه که می‌دانیم نرم افزار منبع باز تحت یک مدل اجتماعی توسعه می‌یابد و گاه مسائلی به عنوان مالکیت جنبه‌های ویژه از این کد منبع مورد پرسش قرار می‌گیرد. توسعه برنامه Linux یک مثال کلاسیک از توسعه منبع باز است. Linus Torvalds و گروهی از دستیاران مورد اعتماد او برای توسعه برنامه بخش اصلی Linux مسئولیت داشتند و آنها تعیین می‌کردند که چه کدهایی در نسخه نهایی استفاده شود و کدام یک مورد استفاده قرار نگیرد.

این مسأله (گروه مسئول و تصمیم گیرنده) در هر پروژه نرم افزار منبع باز می‌تواند وجود داشته باشد.

¹ - Uniform Computer Information Act (2001).

² - UCITA.

درست است که توسعه منبع باز معمولاً بر مبنای یک رویکرد داوطلبانه، آزاد و توافقی بوده است اما بدیهی است که ممکن است با گسترش این پروژه‌ها و برنامه‌ها، بحث‌هایی بر سر احکام توسعه نرم افزار، کنترل نسخه، برنامه نویسی استاندارد و... بروز کند که نیازمند شناخت دقیق صاحب حق کپی رایت و صاحب کد است (Ibid, 28). این مسأله همچنین در اجرای حق کپی رایت نیز بروز می‌کند، در صورتی که مجوز گیرنده یا شخص ثالثی شرایط مجوز منبع باز را نقض کند یا به حقوق کپی رایت صاحب کد نرم افزار تجاوز کند، کسی که حق اجرا و اقامه دعوا جهت دعوی نقض حقوق را دارد، صاحب کپی رایت است که حق اجرای حقوق خود را دارد از این جهت شناخت مالک اهمیت می‌یابد. (Ibid, 29).

2-8 بهره برداری تجاری

از آن جایی که مدل توسعه منبع باز به طور فزاینده ای برای توسعه دهندگان نرم افزارهای تجاری جذاب می‌شود مسائل زیادی در خصوص تبدیل نرم افزارهای تجاری به نرم افزارهای منبع باز بروز می‌کند. به عنوان مثال، زمانی که مجوز دهنده، نرم افزاری را تحت نرم افزار منبع باز، آزاد می‌کند، حقوق مجوز گیرنده ای که قبلاً تحت یک مجوز تجاری آن را دریافت داشته است، چیست؟

اگر توسعه تجاری به سمت افزایش استفاده از نرم افزارهای منبع باز حرکت کند، آیا توسعه دهندگان تجاری و وکلایشان راضی به محدود شدن انتخاب‌هایشان به یکی از مجوزهای منبع باز خواهند بود؟ آیا آن‌ها به دنبال راه‌هایی نخواهند بود که با فراتر رفتن از محدودیتها و قواعد مجوز منبع باز، از محصولات منبع باز کسب در آمد کنند؟ (Ibid, 30).

3-8 خلأهای قانونی و نحوه تفسیر مجوزهای منبع باز

مجوزهای منبع باز توسط حقوقدانان متخصص نرم افزار نوشته نشده است و در نتیجه، اغلب آن‌ها تا اندازه ای ساده و پر از ابهام هستند. به همین دلیل ممکن است مسائل اصلی حقوقی از جمله حقوق و تعهدات کاربران را پیش‌بینی نکرده باشند و در زمانی که توسط وکلا و دادگاه‌ها مورد بازبینی قرار می‌گیرند، ابهاماتی را به وجود آورند. همانطور که قبلاً بیان شد در این موارد قوانینی همچون آکیتا می‌تواند نقش مهمی در تفسیر مجوزهای منبع باز ایفا کند (Ibid, 31). به عبارت

دیگر این قوانین می‌توانند خلاء قواعد و مقررات حقوقی و سکوت و ابهام این مجوزها را جبران نمایند. از دیگر جنبه‌های منحصر به فرد مجوزهای منبع باز، تفسیر به تدریج آنها توسط جامعه است. در زمان‌هایی که بحثها و تبادل نظر در جامعه در خصوص این نرم افزارها بالا می‌گیرد، بحثهای تفسیری در خصوص آنها صورت گرفته و حتی به تغییر شرایط مجوزها و بهینه سازی آنها نیز منجر شده است. همچنین تفسیر ریچارد استالمن به عنوان بنیان گذار این جنبش در تفسیر گنو نقش کلیدی را بازی کرده است. (Ibid).

علی رغم همه موارد فوق و با افزایش تعداد مجوزهای منبع باز و توسعه این جنبش، تفسیر قضایی از مجوزهای منبع باز همچنان اهمیت بیشتری خواهد یافت. به علاوه، تفسیر حقوق کپی رایت و تغییرات ممکن در حقوق کپی رایت می‌تواند پیامدهای مهمی برای تفسیر مجوزهای منبع باز داشته باشد. بنابراین دادگاه‌ها چاره ای جز توسل به تفسیر موجود در جامعه منبع باز ندارند. در این شرایط جامعه منبع باز می‌بایستی در برابر فشار افزایش تعداد مجوزهای منبع باز مقاومت کند و محدودیتی را در تعداد این مجوزها نگه دارد زیرا افزایش تعداد و تنوع این مجوزها منتج به گسترش مشکل تفسیر خواهد شد (Ibid, p32).

نتیجه: حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اندیشه‌ها اعم از اطلاعات موجود در موسسات عمومی و خصوصی از حقوق بنیادین بشر است. چنین حقی برای توسعه شخصیت و حفظ کرامت انسان ضروری است. با این حال این حق در تعارض اصولی و عملی با حقوق مالکانه صاحبان کپی‌رایت است. کپی‌رایت با اعطای حقوق انحصاری به دارندگان آن، دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها را کنترل می‌کند و به یکی از موانع مهم دسترسی اندیشمندان و دانشجویان خصوصاً در کشورهای در حال توسعه به آثار کپی‌رایت شده تبدیل گردیده است. هر چند نظام کپی‌رایت با مقرر کردن محدودیت‌ها و استثنائات از جمله استفاده منصفانه سعی نمود تعارض میان حقوق خصوصی دارندگان کپی‌رایت با حقوق عمومی جامعه در دسترسی آزادانه به اطلاعات را کاهش دهد اما با پیدایش فضای مجازی و توسعه شبکه‌های اینترنتی و گسترش اشتراک‌گذاری آثار کپی‌رایت شده و به تبع آن وضع مقررات حمایتی جدید و شدید از آفرینش‌های ادبی و هنری در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تعارض میان این دو بیش از پیش نمایان گردید. این تعارض موجب پیدایش نهضت اجتماعی کپی‌لفت شده است. کپی‌لفت با تکیه بر کپی‌رایت در جهت خلاف آن

عمل می‌کند و اجازه می‌دهد تا کاربر حق بهره‌برداری و ویرایش اثر را داشته باشد. کپی‌لفت اثر را از حالت انحصاری خارج نمود و آزادی استفاده از آثار ادبی و هنری را تضمین نمود. از منظر و دیدگاه کلاسیک در حقوق مالکیت فکری، کپی‌رایت انگیزه خلق را بیشتر می‌کند و این خود منجر به ارتقای دانش و فرهنگ در جامعه می‌شود اما از دیدگاه کپی‌لفت، پیشرفت در ارتقاء دانش به وسیله‌ی افزایش دسترسی به آن حاصل می‌گردد. در مدل کپی‌لفت، توزیع آثار و اطلاعات و اندیشه‌های مندرج در آن موجب همکاری بدون پایان میان مؤلف و جامعه می‌گردد و بدین ترتیب جریان اطلاعات در دهکده جهانی و دسترسی به اطلاعات به عنوان حق عموم جامعه هموار می‌گردد. هدف اصلی کپی‌لفت ارتقاء دانش مبتنی بر توزیع وسیع اثر است. ایجاد یک بنیاد مشترک که از یک سو هر شخصی بتواند مشارکت خود را به توسعه و خلق اثر اضافه کند و از سوی دیگر هیچکس نتواند یک مشارکت را حذف کند از اهداف اصلی نهاد کپی‌لفت است. بنیاد نهاد کپی‌رایت مبتنی بر تئوری اقتصادی سودمندی است. بر اساس این تئوری اعطای حقوق انحصاری موجب تشویق مؤلفین به خلق آثار سودمند و مورد درخواست برای عموم می‌گردد. در فقدان کپی‌رایت، بازار محصولات ادبی و هنری محکوم به شکست است. بدون امید به جبران کافی و حمایت، هیچ مؤلف و هنرمندی حاضر نیست در خلق اثر سرمایه‌گذاری کند. ضعف این استدلال و تئوری با موفقیت نرم‌افزارهای منبع باز مانند لینوکس و جی‌پی‌ال نمایان گردیده است. در جهان کنونی، شرکت‌های توزیع و پخش و غول‌های رسانه‌ای تحت لوای کپی‌رایت در پشت آفرینندگان اصلی اثر پنهان گردیده‌اند. کپی‌رایت به ابزار مهم تجاری و محصولات ادبی و هنری به کالا تبدیل گشته‌اند. پدیدآورندگان آثار معمولاً به در دسترس بودن آثار خود با کمترین هزینه راضی هستند و انگیزه اصلی آنان از آفرینش‌های فکری، خلق آثار اصیل و در دسترس عموم قرار دادن آن‌هاست. با توجه به اینکه کپی‌لفت بر مبنای نهاد کپی‌رایت استوار است به نظر می‌رسد توسعه و گسترش کپی‌لفت در تمامی آثار ادبی و هنری بیشتر و بهتر بتواند میان حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری با حق بشری دسترسی آزادانه به اطلاعات توازن عادلانه و منطقی ایجاد کند.

فهرست منابع :
_کتاب و مقالات فارسی :

- انصاری، باقر. (1387). آزادی اطلاعات، چاپ اول، تهران، دادگستر
- انصاری، باقر. (1393). حقوق ارتباطات جمعی، چاپ هفتم، تهران، سمت
- انصاری، باقر. (1394). حقوق رسانه، چاپ ششم، تهران، سمت
- حبیبی مجنده، محمد. (1394). حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید
- حبیبی مجنده، محمد. (1395). حق دسترسی به اطلاعات و کپی‌رایت در فضای مجازی، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه نامه حقوق مالکیت فکری
- صادقی نشاط، امیر. (1389). حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای کامپیوتری، چاپ دوم، تهران، میزان
- میرحسینی، سیدحسن. (1391). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، چاپ سوم، تهران، میزان

Books & Articles

- Bitton, Miriam. *Modernizing Copyright Law*, Texas Intellectual property law Journal, vol 20, No. 65, 2011
- D` Antony, Massimo. Rossi Maria Alessandra, *Copyright vs. Copyleft licencing and Software Development*, 2007
- De` laet, Paul B. *Copyright or copyleft? An analysis of property regims for software development*, Research Policy, Vol 34, issue 10, 2005
- Dusollier Severine, *Open Source and Copyleft: Authorship Reconsidered?*, Colombia Journal of Law & Art, vol 26, 2003
- Kennedy, Dennis M, *A Primer on Open Source Licensing Legal Issues: Copyright, Copyleft, Copyfuture*, Louis University Public Law Review 345, Vol 20, 2001
- Lee, Steve H. *Open Source Software Licensing*, 1999. Available at www.cyber.harvard.edu
- Mustonen, Mikko, *Copyleft-the economics of Linux and other open source software*, Information Economics and Policy, vol 15, 2003

-Sheong, Chang Sau, *Copyright and Open Source Software Licensing*, The Berkeley Electronic press, paper 773, 2005

- Vetter, Grey R. *Claiming Copyleft in Open Source Software*, Michigan State Law Review, Vol 279, 2008